

## بازنمایی معنا و تجربه خال کوبی در میان زنان جوان

حسین افراسیابی\*

طاهره شریعتی‌نسب\*\*

### چکیده

خال کوبی ریشه در آیین‌های کهن دارد که در دوره‌های مختلف در معنای مناسب گذار، کنش زیباشناختی و هویتی استفاده شده است. نوشته‌ها و نقوش خال کوبی دال بر بازنمایی معانی مختلف از بدن است. این پژوهش در جست‌وجوی دلایل و تفسیر زنان از اقدام به خال کوبی است. در این پژوهش از روش نظریه داده‌بنیاد برای اجرا و تحلیل داده‌ها استفاده شد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش دوازده نفر از زنان ۱۹ تا ۳۶ ساله شهر یزد هستند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به روش دردست‌رس انتخاب شدند. متن مصاحبه‌ها را از طریق کدگذاری باز، محوری، و گزینشی تحلیل و در قالب هفت مقوله اصلی سازمان‌دهی کردیم. این مقولات شامل معنابخشی، لذت‌جویی، بیان خویشتن، بدن هنجارمند، تأثیر هم‌جواران، بخش‌های رؤیت‌پذیر و منع عرف و سنت است. در نهایت با یک پارچه‌سازی مقولات اصلی، مقوله نهایی را با عنوان «خودتعیین‌گری هنجارشکنانه» ساختیم.

**کلیدواژه‌ها:** خال کوبی، تن، زنان، بدن، خودتعیین‌گری، مصورسازی بدن.

### ۱. مقدمه

بدن، سازه‌ای چندبعدی و مسئله‌ای بنیادین در زندگی انسان و امری رازواره است که خوانش آن در سراسر تاریخ اندیشه موضوع ثانویه در حاشیه فلسفه و اخلاق بوده است. در

\* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، hafdasiabi@yazd.ac.ir

\*\* کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، shariati30@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱

دوره‌های پیشامدرن، مقوله بدن در حوزه معرفت مطالعه نمی‌شد، بلکه در حوزه‌های سطحی و عوام‌نگارانه طبقه‌بندی می‌شد. درحالی‌که بدن برای انسان همیشه کانون اندیشه و تجربه زیستن، زبان کنش، بیان عواطف، و برخورد با درد بوده است.

بدن، که در زمینه اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد، عاملی است نشانه‌ای که از خلال آن رابطه انسان با جهان بیرون واقعیت می‌یابد. بدن عمدتاً پدیده‌ای بدیهی به‌نظر می‌رسد، درحالی‌که ماده‌ای ساده نیست، بلکه حامل تبیین اجتماعی و فرهنگی است (Le Breton 1392). در این میان پوست، پوششی که شخص را فرامی‌گیرد، مرزی است زنده میان درون و بیرون که انسان با طراحی و آرایش آن می‌خواهد توانایی خود را در موجودیت فردی و جمعی مطلوب ابراز کند.

خال‌کوبی یا تتو (tatau)، آرایش و هنر بدن، نمونه‌هایی کهن از تعاملات با بدن است که با نمادین‌سازی نمایش بدن و فراهم‌آوردن نوعی مدیریت بدن، آن را از امر زیستی صرف به طغیان اجتماعی و ستیزی گفتمانی مبدل ساخته است (فکوهی ۱۳۹۲). در گذشته و قبل از شکل‌گیری گفتمان‌های تأدیب‌کننده و تنظیم‌کننده بدن، خال‌کوبی بخشی از مناسبات اجتماعی جامعه و بازنمایی بدن و ساختارهای زیباشناختی به‌حساب می‌آمد (قادرزاده و همکاران ۱۳۹۳: ۱۶۲). در بیش‌تر متون فرهنگی پیرسینگ (piercing)، تیغ‌زنی (scarification)، حجاری‌کردن بدن (body sculpting)، تتو و صورت‌های دیگر تغییرات بدنی دائمی نشان‌دهنده سرسپردگی، پایگاه، و هویت‌های پایدار است (Sanders 1991: 147). مردها معمولاً خال‌کوبی را به‌صورت نمادی عمومی به‌کار می‌گیرند که به‌وسیله آن هویت خود را در تعاملات اجتماعی بروز می‌دهند و بیش‌تر آن را بر دست و بازوان خود حک می‌کنند. اما زنان، هم‌چنان‌که در گذشته نیز مرسوم بوده، طرح‌های متفاوت نقوش را در بخش‌های مختلف بدن به‌کار می‌برند (Sanders 1991: 151-152). در گذشته، زنان خال‌کوبی را با انگیزه‌های درمان نازایی (در اجساد و مومیایی‌های باستانی، محل خال‌کوبی‌ها مختص طب فشاری و سوزنی است. درباره درمان نازایی چه در مردان و چه در زنان نقاطی از بدن از جمله بین دو ابرو، بالای معده که در مرد یخی هم وجود دارد، روی پا، کمر، لگن، و ... خال‌کوبی شده‌اند که برای درمان نازایی از طریق تحریک دستگاه عصبی - هورمونی، افزایش جریان خون به اندام‌های تولیدمثل، بهبود عملکرد لگن، تحریک تولید اسپرم و مانند آن است)، شفابخشی، دورکردن چشم‌زخم، تمایلات جنسی و تأکید بر زیبایی منحصربه‌فرد به‌کار می‌بردند (بهزادی ۱۳۶۸؛ Sanders 2008).

در سال‌های اخیر گرایش به خال کوبی در میان زنان افزایش پیدا کرده است. بیش‌تر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه معتقدند که گرایش روزافزون زنان به خال کوبی صرفاً مادی است که در قسمتی از جامعه غرب تولید شده و در بخشی از جامعه ما تقلید می‌شود (خاتون ۱۳۸۷: ۴۵). یا ممکن است به صرف لذت بردن از آن صورت گیرد که حاکی از خودشیفتگی افراد است. آن‌ها این گرایش روزافزون را در حیطه زیبایی‌شناسی که از وجه مادی به وجه فرهنگی در حال گذر است یا زمینه‌های روان‌شناسی قلمداد کرده‌اند. اما در جامعه‌ای چون ایران می‌توان گفت مسئله گرایش روزافزون دختران و زنان به خال کوبی دلایل گوناگونی دارد. خال کوبی نوعی کنش است و حامل بار معنایی فردی و اجتماعی است که باید در حوزه جامعه‌شناسی در جست‌وجوی تفاسیر و بازنمایی‌های زنان از این نشان‌های خاص بود. با توجه به عدم قطعیت (در زمینه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی) موجود در جامعه و سرایت آن به همه ابعاد زندگی، فضای احساسی زنان جوان نیز به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است؛ پس این امکان وجود دارد که آنان در مدت کوتاهی به حک انواع مدل‌ها و طرح‌های متنوع از خال کوبی اقدام کنند و آنچه در این میان از دست رفته سلامت، انرژی، و زمان زنان پرشور و شوریده امروز است. بسیاری از زنان پس از مدتی که تمایل به تغییر طرح خال کوبی داشته باشند برای پاک‌سازی آن متحمل هزینه‌های بسیاری می‌شوند و از لحاظ سلامتی نیز حساسیت‌های پوستی و عفونت‌هایی را به‌همراه دارد. بسیاری از این خال کوبی‌ها به ترمیم نیاز دارند که از لحاظ زمانی نیز هزینه‌هایی در بر دارد.

اهمیت خال کوبی در خودبیان‌گری و بیان هویت است و از آن‌جاکه تصویر ذهنی فرد از بدن خود متأثر از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند، خال کوبی جلوه بیرونی او را به واقعیت درونی‌اش نزدیک‌تر می‌سازد که بر ماهیت روابط اجتماعی او تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش برآنیم که با رویکردی تفسیری دیدگاه زنان را درباره خال کوبی و انگیزه‌ها و دلایل آنان را از اقدام به خال کوبی و معنایی که به آن نسبت می‌دهند بررسی کنیم.

## ۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های صورت گرفته درباره خال کوبی (تتو) به چند حوزه تقسیم می‌شود: آسیب‌شناسی، روان‌شناسی، زیباشناختی، و ریشه‌یابی فرهنگی و اجتماعی که در پژوهش‌های

ایرانی و غیرایرانی نمونه‌های متعددی از این مطالعات وجود دارد. البته شایان ذکر است که دسته‌ای دیگر از این پژوهش‌ها صرفاً به توصیف و تعریف و دسته‌بندی نقوش و طرح‌ها می‌پردازند که بیش‌تر در میان مطالعات غیرایرانی نمود یافته است.

مرادی (۱۳۹۶) در تحقیق بین ۳۵۰ نفر که دست‌کم یک بار اقدام به خال‌کوبی کرده‌اند، نتیجه می‌گیرد که بین انگیزه‌های خال‌کوبی و میزان عزت نفس، محرومیت نسبی، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، و سطح تحصیلات رابطه وجود دارد. مهربابی و همکاران (۱۳۹۵) از پژوهشی که بین ۲۲۳ ورزش‌کار دارای خال‌کوبی انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که عامل ابراز هویت مهم‌ترین عامل و عامل انتقال پیام کم‌اهمیت‌ترین علت انگیزشی و دلایل خال‌کوبی ورزش‌کاران است. تحقیقی که صرامی (۱۳۹۵) در آن به جست‌وجوی معنا از منظر هنرمند و مخاطب این هنر پرداخته حاکی است که نقوش خال‌کوبی و ایجاد آن‌ها بر بدن ضمن برخورداری از ارزش زیباشناختی و ویژگی‌های تزئینی، در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای چون ایران، ممکن است برآمده از تمایلات فردی چون تمایل به زیبایی باشد و مهم‌تر آن‌که دارای معنای نمادینی است که از مناسبات اجتماعی چون تمایلات گروهی و آیینی و بافت فرهنگی و تاریخی ویژه جامعه تأثیر پذیرفته و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهند که خال‌کوبی از نمایشی نابه‌هنجار به مسئله‌ای بنیادین در بیان خود بازتابنده و هویت نوین تبدیل شده است. فکری بارکو سرائی (۱۳۹۳) در پژوهشی به ارتباطی مستقیم بین سبک زندگی، رفتار مجرمانه، و خال‌کوبی دست یافته و معتقد است خال‌کوبی‌های زندانیان و افراد بزه‌کار به شدت ناشی از طغیانی شخصیتی متأثر از سبک زندگی است که به رفتار مجرمانه یا انحراف از ارزش‌های اجتماعی منجر می‌شود.

در پژوهش‌های غیرایرانی به خال‌کوبی زنان در حوزه‌های مختلف توجه عمیق شده است. لیدر (Leader 2016) معتقد است که خال‌کوبی تجربه فرهنگی مشترک است نه نشانه‌های تمایل جنسی یا مد. فرمن و همکاران در مطالعه‌ای با توجه به یافته‌های تحقیق پیشین خود (۲۰۰۶) درباره روش‌های خال‌کوبی میان دانشجویان کالج نشان می‌دهند که نگرانی‌های بهداشتی، والدین، هم‌سالان، و به‌ویژه مضرات اجتماعی عوامل تأثیرگذار در تصمیم دانشجویان کالج به خال‌کوبی است. در پژوهشی با عنوان «تتو و خویشتن» فیрман و همکاران (Firman et al. 2012) به بررسی گرایش روزافزون زنان به تتو پرداخته‌اند. در این تحقیق مشخص شد که تتو برای زنان حامل بار معنایی مختلف از جمله پیوند به خود، حوادث زندگی، روابط، و معنویت است. سانتوس (Santos 2009) در مطالعه‌ای بیان

می‌کند که بدن شیکانا (chikana) مانند بومی بر عامل اجتماعی دلالت می‌کند که تحت تأثیر زمینه اجتماعی است و این که چگونه شیکاناها پاسخ‌گوی انتظارات هنرمندان خال کوبی مردانه از چگونگی مفاهیم زنانگی، طبقه، قومیت، و امیال جنسی هستند. براونبرگر (Braunberger 2000) در تحقیقی درباره طغیان و عصیان زنان با استفاده از حضور بدن معتقد است که نمی‌توان خطرهایی را که زنان در خال کوبی می‌پذیرند فقط از لحاظ انقلابی زیبایی‌شناختی برای آنان تبیین کنیم.

پژوهش‌های صورت گرفته دال بر اهمیت جهانی کنش شناختی اجتماعی خال کوبی (تتو) است و نشان‌دهنده گرایش زنان به آن است. در تحقیقات صورت گرفته در ایران به این که این کنش از دید زنان چه معنایی دارد کم‌تر توجه شده است. بیش‌تر پژوهش‌ها نیز به‌روشن کمی انجام شده که در واکاوی عمیق زمینه‌های اجتماعی خال کوبی بازمانده‌اند. از این‌رو نیاز به مطالعه کیفی جامعه‌شناختی محسوس است.

### ۳. مبانی نظری

در بررسی تاریخی خال کوبی باید گفت مواردی از خال کوبی غیرارادی در میان کارگران صنعتی و سایر کارگران دیده شده است که آن‌ها تصادفاً ضمن حمل ذغال یا مواد رنگی دیگر، خراشی به بدن خود وارد آورده‌اند و در نتیجه علامتی از آن به‌جای مانده است. بشر نخستین نیز ممکن است بر اثر تصادف مانند فرورفتن خاری در دست او به‌هنگام روشن کردن آتش یا فرورفتن تراشه چوبی نیم‌سوخته به انگشتان به فکر خال کوبی افتاده باشد. اثری چنین غیرعادی شاید حس کنجکاوی‌اش را برانگیخته و او را بر آن داشته است که دست به تقلید بزند. اسپنسر (Herbert Spencer) عقیده دارد که خال کوبی از این رسم ناشی شده که بعضی افراد به ارواح اشخاص متوفی خون تقدیم می‌کردند و علامتی که بدین ترتیب باقی می‌ماند حاکی از انقیاد به آن‌ها یا پیوستگی نزدیک به آن‌ها بوده و در بسیاری از موارد به‌صورت علائم قبیله‌ای درمی‌آمد. کسب اطلاع دقیق درباره آغاز تاریخ خال کوبی تقریباً محال است. خال کوبی به زبان انگلیسی tattooing نامیده می‌شود که از کلمه تاتو tatu یا tattoo اقتباس شده که به معنای علامت‌گذاری یا سوراخ کردن پوست است و آن را از کلمه tatau، که در زبان تاهیتی وجود دارد، گرفته‌اند. جهان‌گرد معروف انگلیسی، ناخدا جیمز کوک، که در سال ۱۷۶۹ در جنوب شرقی آسیا مشغول اکتشافات بوده، ضمن دیداری از تاهیتی حین مشاهده این عمل توسط بومیان، آن کلمه را به‌کار برده است (بهزادی ۱۳۶۸: ۱۹۴).

در لغت‌نامه دهخدا/ تتو مقابل واژه خال کوبی آمده است:

عملی است که بدان بشره آدمی را نگارین کنند به صور گل‌ها و یا حیوان و یا حروف و آن به وسیله آجیدن بشره با سوزن و نیل پاشیدن به جای آجده باشد. معادل این کلمه **کبودزدن** و کلمه عربی **وشم** است.

در ادبیات فارسی نیز از خال کوبی سخن به میان آمده است که نکته جالب آن این است خال کوبی نه به عنوان نماد فردیت، بلکه طرد فردیت تا رسیدن به «غیر» مطلوب است. خال کوبی با نام «کبودزدن» در داستان کبودی‌زدن قزوینی در دفتر اول مثنوی مولانا بیان شده است که کل داستان در ۳۲ بیت از بیت ۲۹۸۱ شروع و تا بیت ۳۰۱۲ خاتمه می‌یابد. درباره مأخذ این داستان استاد فروزانفر در کتاب شرح مثنوی شریف نوشته‌اند که مأخذ آن مشخص نیست. این داستان نشان‌دهنده این است که رسم خال کوبی در بین مردان طبقه خاص (پهلوانان) ابزاری برای ابراز قدرت و مردانگی بوده است نه نمادی زیبایی‌شناختی. فرهنگ لغت میریام وبستر سابقه ورود این واژه به زبان انگلیسی را ۱۷۷۷ میلادی ثبت کرده و آن به معنای تصاویر و نوشته‌های رنگی بر سطح بدن با سوزن و جوهر تعریف شده است.

قدیمی‌ترین جنازه‌ای که آثار خال کوبی روی بدنش دیده می‌شود انسانی است که ۵۳۰۰ سال پیش در دوره نوسنگی زندگی می‌کرده است. این مرد (OTSI Ice Man) پانزده خال کوبی دارد. همچنین، در جنازه مومیایی مصری در دستان یکی از کاهنین زن به نام آمونت که قدمتی ۴۰۰۰ ساله دارد، آثاری از خال کوبی وجود دارد (Parry 2006: 12).

تا اواسط قرن بیستم بسیاری از ایرانیان بدن خود را به منظور تزیین یا برای بهبود بیماری یا دورنگه‌داشتن از چشم‌زخم خال کوبی می‌کردند و از آثار باقی‌مانده مشهود است که خال کوبی در ایران کهن نیز مرسوم بوده است. تندیس‌هایی در پازیریک و لرستان از دوره هخامنشیان یافت شده است که نشان خال کوبی بر بدنشان بوده است. خال کوبی در ایران بیش‌تر در نزد زنان، پهلوانان، اوباش جاهل مرسوم بوده است (کتیرایی ۱۳۴۵: ۲۲).

اما باتوجه به اسناد شفاهی و اشاره‌های غیرصریح که در برخی کتب مربوط به مباحث تاریخی زیباشناختی بدن شده درمی‌یابیم که اواخر قرن بیستم خال کوبی در بین مردان که مختص طبقه خاص نبوده‌اند افزایش و در بین زنان کاهش یافته است. حال در دهه‌های اخیر این مسئله بین زنان جوان در ایران با مفاهیم و برداشت‌های متفاوت گسترش پیدا کرده است و مضموم‌بودن این کار نیز تا حدود زیادی از بین رفته است

(وجود ورزش‌کاران و هنرمندان زن که خال‌کوبی دارند و در مجامع عمومی سعی در پنهان کردن آن ندارند و حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز نمایش می‌دهند؛ وجود خال‌کوبی زنان با پایگاه‌های اجتماعی مختلف حتی در این پژوهش، خبرها و مقالاتی که در آن جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و انجمن سلامت و بهداشت روان ایران درباره‌ی جرم‌نبودن و مذموم‌نبودن این پدیده سخن گفته‌اند).

**میشل فوکو:** در نگاه فوکو (۱۳۷۸)، بدن مستقیماً درگیر حوزه‌ی سیاسی است و روابط قدرت نوعی چسبیدگی بلافصل با آن دارند. روابط قدرت، ضمن سرمایه‌گذاری در بدن، مبادرت به نشانه‌گذاری و تربیت آن می‌کند و بدن را برای ادای وظایف و ساطع کردن انواع نشانه‌ها تحت فشار قرار می‌دهد. فوکو با چنین نگرشی زمینه‌های تاریخی سلطه‌ی روابط قدرت و انضباط بر بدن را در نهادهای مختلف (مانند زندان) ترسیم می‌کند و بدین ترتیب، توضیح می‌دهد که چگونه از خلال بدن‌ها هنجارها و عرف اجتماعی تحقق پیدا می‌کند. بدن، علاوه‌بر تأثیرپذیری از ساختارهای کلان اجتماعی، می‌تواند به وسیله‌ی «راهبردهای خود» مستقیماً از سوی دارنده‌ی آن نیز متأثر گردد. «راهبردهای خود» نزد فوکو به روش‌های مختلفی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها افراد روی بدن‌هایشان کار می‌کنند تا به حس رضایت برسند. نکته‌ی درخور توجه در این است که تأثیرگذاری افراد بر بدن‌هایشان نیز منبعث از گفتمان‌های غالب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، و ... آن است. در آرای فوکو «خود»‌های برساخته‌ی اجتماع به صورت بدنی شده و متجسدند. به‌طور خلاصه خود یا همان بود و سوژکتیویته (امر درونی و ذهنی)، از طریق روش‌هایی حاصل می‌شود که در آن‌ها بدن‌های خود را دسته‌بندی و آن‌ها را مدیریت می‌کنیم و فراتر از آن، به انضباط می‌کشانیم و تنظیم می‌کنیم. در چنین وضعی، وقتی که فرد جوان قدرت اعمال مدیریت اندکی در دیگر موارد دارد، بدنش به‌عنوان محیط مهمی برای اعمال قدرت به ابزار لذت مبدل می‌شود. برای مثال تصویری که جوان از استعمال سیگار دارد؛ درکی که از خود، آن‌گاه که مد مخصوص را می‌پوشد؛ یا تصویرش در آینه، هنگامی که از باشگاه بدن‌سازی بیرون می‌آید؛ برایش لذت‌بخش است. سوراخ کردن گوش و آویختن زیورآلات و خال‌کوبی نمونه‌های دیگری از این اعمال قدرت بر بدن‌هاست. در واقع وقتی روش‌های دیگر اعمال مدیریت نظیر درگیر شدن در کار دل‌خواه دیرپاب می‌شود، لذت‌جویی آنی از طریق اعمال مدیریت بر بی‌واسطه‌ترین دارایی، یعنی بدن، فعالیت‌ی جدی به‌شمار می‌رود (یزدخواستی و دیگران ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۴)

**دیوید لو برتون:** لو برتون (۱۳۹۲) عقیده دارد بدن انسان محوری است که با آن رابطه انسان با جهان بیرونی به واقعیت بدل می‌شود؛ در واقع مکان و زمانی که هستی از خلال تصویر خاص کنش‌گر تجسم می‌یابد. از خلال بدن، انسان ذات حیات را از آن خود می‌کند و این ذات را از طریق نظم‌های نمادین مشترک خود با اعضای جماعتی برای دیگران نیز به بیان می‌آورد. کنش‌گر بدین وسیله جهان را به گونه‌ای فیزیکی در اختیار خود می‌گیرد و از آن خود می‌کند. برای این کار جهان را انسانی می‌کند یا از آن هم بیش‌تر، آن را به پدیده‌ای آشنا و درک‌پذیر حامل معانی و ارزش‌ها بدل می‌کند که تا کنش‌گر دیگری که در همان نظام استنادهای فرهنگی او قرار دارد آن را تجربه کند (برتون ۱۳۹۲). هم‌چنین او بیان می‌کند که «بدن به نادرست یک پدیدهٔ بدیهی به‌نظر می‌رسد، درحالی‌که بدن داده‌ای ساده و بدون شبهه نیست؛ بلکه در واقع حاصل یک تبیین اجتماعی و فرهنگی به‌شمار می‌رود». برتون در کتاب خود *جامعه‌شناسی بدن* به نقش‌های روی بدن توجه دارد و معتقد است که نشانه‌گذاری اجتماعی و فرهنگی روی بدن ممکن است از خلال نوشتار مستقیم جامعه بر پوست کنش‌گر انجام گیرد. این عمل به‌شکل نوعی کندن، زخم‌کردن، تغییر شکل، یا افزودن چیزی به پوست ممکن است. شکل دادن‌های نمادین [بدن] امری نسبتاً رایج در جوامع انسانی به‌حساب می‌آید. نوشتار پوستی به‌شکل خال‌کوبی‌های همیشگی یا موقت، آرایش و مانند آن، تغییر شکل دادن‌های کلی بدن، به‌گونه‌ای نشانه‌گذاری بدنی به‌حساب می‌آید که جامعه می‌کوشد به‌شدت آن را کنترل کند. نوشتارهای بدنی درحقیقت یک نظام خوانش موازی با جایگاه اجتماعی و دقیق‌ترند که خویشاوندی فرد را به‌وجود می‌آورند. این نوشتارها یادآور ارزش‌های جامعه و جایگاه مشروع هرکس در ساختار اجتماعی هستند (همان).

**ژیل دلوز:** ژیل دلوز (Gilles Deleuze) با اشاره به مفهوم «اوهام» و مفهوم «روی‌داد» به بحث بدن می‌پردازد. اوهام فیگورهایی بر سطح بدن انسان‌هاست. آن‌ها مابین سطوح بدن‌ها پدید می‌آیند و نوعی «مادیت غیرجسمانی» به‌وجود می‌آورند. آن‌ها را فقط می‌توان به‌لحاظ کمی، از طریق کثرتی از نقاط با شدت‌های مشخص معلوم کرد. اصطلاح «وهم» در تحلیل فروید دربارهٔ توهم در استدلال او دربارهٔ «اختگی توهمی» گرفته شده است. اما اوهام نه خیالات فرویدی‌اند و نه دال‌های لاکانی؛ برعکس، آن‌ها واقعی و مادی‌اند. «فکر» به‌وجودآورندهٔ اوهامی است که از پیوست‌هایی اولیه به‌شیوه‌ای نمایشی برخوردارند. بدن از طریق دهان اوهام را موضوع تفکر می‌کند. روی‌داد معادل



آن این است: «در حال اندیشیدنم». بدن‌ها (و نه سوژه‌ها) نه از طریق مفاهیم، نه از طریق مقولات و نه حتی زبان، بلکه از طریق اوهام فکر می‌کنند. اوهام از دیدگاه دلوز طی رویارویی ساخته می‌شوند؛ در جایی که جامعه با بدن‌های انسانی تلاقی می‌کند. اوهام، که به واسطه‌ی امر اجتماعی بر بدن انسان حک شده‌اند، نه تنها بر روی داده‌های فکری ما، که بر اعمال سیاسی و جنسیت ما نیز حاکم‌اند (لش ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۳). بدن نزد دلوز نوعی قلمرو تهی است که سطح آن به چهار طریق شکل می‌گیرد. به واسطه‌ی هریک از این طرق الگویی از شدت‌ها بر بدن حک می‌شود. ابتدا شکل‌ها بر سطح بدن ثبت می‌شوند که معادل‌اند با پاره‌بافته‌های خودماشین‌های میل‌گرا. دوم این‌که شکل‌ها از جهان بیرون بر بدن ثبت می‌شوند. این لحظه‌ای است که عنصر سوم پویایی‌شناسی اسکیزوئیدی، یعنی «سوژه» معرفی می‌شود. نوع سوم منطقه‌ی شدت که بدن را در بر می‌گیرد «وهم» است و چهارم اعضای حسی بدن (همان: ۱۰۹-۱۱۰). از نظر دلوز، بدن محل تقاطع نیروهای لیبیدویی از یک طرف و نیروهای بیرونی و نیروهای اجتماعی از طرف دیگر است. تأثیر متقابل این نیروها شکل بدن و کیفیات خاص آن را پدید می‌آورد. به نظر دلوز باید دیدگاه زیست‌شناختی نیچه درباره‌ی بدن را رد کرد؛ تاحدی به این دلیل که ما نمی‌توانیم بدن خود را در چنین وضعی درک کنیم. با این حال، هر نظریه‌ای درباره‌ی بدن باید مجموعه‌ای از مکانیسم‌هایی را در بر گیرد که بدن با آن خود را بازتولید می‌کند (همان: ۱۱۹-۱۲۰). بنابراین، بازتولید بدن و هویت اجتماعی و فردی در جامعه‌شناسی مدرن و پسامدرن اهمیت والایی یافته است.

**وندی چاپکیز:** چاپکیز (۱۹۸۶) رشد سریع خال‌کوبی در بین زنان غربی بر مبنای مؤلفه‌های متمایز جنسیتی و بعضاً درهم را به چالش‌طلبیدن احساس بیننده درباره‌ی هویت فردی و سلسله‌مراتب اجتماعی زنان می‌داند. خال‌کوبی‌ها گزارش‌هایی هستند از جایگاه فرد که طی آن فرد توجهات غیرمنتظره را به خود جذب می‌کند. در واقع، خال‌کوبی نمایش نمای دیگری از فرد است که مبین هویت جنسی فرد است. چاپکیز معتقد است فمینیسم نزاعی بین رفتار جنسی موردانتظار و تظاهر نقش جنسیتی ایجاد کرده است. کنش‌هایی را در خارج از نقش‌های عادی جنسیتی مجاز دانسته که خال‌کوبی (تتو) در زنان راهی در بیان این تفاوت است. انتقاد جنبش فمینیستی - جامعه‌شناختی بر تب زیبایی زنانه بر این جنبه‌ی جسمانی تأکید دارد که زیبایی ملاک ارزیابی در زنان است تا مردان؛ مثل هنجارهای زیبایی. زنان با روی آوردن به خال‌کوبی (تتو)، به‌ویژه با طرح‌های خال‌کوبی مردانه، به این ملاک ناعادلانه‌ی ارزیابی واکنش نشان می‌دهند (Chapkis 1986).

**الیزابت ویلسون:** ویلسون (۱۹۸۵) با مطالعه پوشاک در کتاب خود این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ما می‌توانیم واقعاً بپذیریم که محدودیت‌ها و مرزهای بدن انسان بدیهی‌اند؟ آیا فهم از بدن به پوست منتهی می‌شود یا باید آن را شامل مو و ناخن‌ها و ... بدانیم؟ او معتقد است هنرهای تزئین بدن مانند خال‌کوبی (تتو)، تیغ‌زنی، تغییر شکل دادن مجسمه، و رنگ‌کردن بدن نیز باید مورد توجه قرار گیرند که نشان‌دهنده این هستند که تفاوت‌ناچیزی بین تزئین بدنی از یک‌سو و پوشش بدن از سوی دیگر وجود دارد. در همه جوامع، بدن دارای پوشش است. در هر جایی لباس و تزئین نقش نمادین و ارتباطی و زیباشناختی را بازی می‌کند و همیشه دارای معانی غیرکلامی است. فرم‌های اولیه پوشاک به نظر می‌رسد کاربرد تزئینی داشته باشند مانند رنگ‌کردن بدن، آرایش، تیغ‌زنی، خال‌کوبی (تتو)، و ماسک‌ها. به‌طور کلی، به‌نظر می‌رسد که پوشش کاربرد اجتماعی و زیبایی‌شناختی و روان‌شناختی دارد. به‌راستی پوشاک بر همه این موارد هم‌زمان دلالت دارد. در جامعه مدرن نیز این مسئله حقیقت دارد (Wilson 1985: 2-3). البته در زمان‌های اولیه پوشاک ممکن بود نشانی از اعتراض سیاسی یا ملی مستقیم باشد. برای مثال در قرن شانزدهم، انگلیس ایرلندی‌ها را از پوشیدن لباس محلی‌شان منع کرده بود. در قرن هجدهم بعد از نبرد کالودن و صلح اسکاتلندی‌ها، آن‌ها نیز از همین عمل مشابه منع شده بودند. جلوگیری از پوشیدن دامن مردانه شطرنجی در قرن نوزدهم ممکن بود نشان‌دهنده مخالفت گروهی و فردی باشد، به‌خصوص برای مردان، چون لباس معمولی مردان مسئله‌ای مهم و ممنوع‌شده بود (ibid. 1985: 179-180). بنابراین تتو ممکن است از لحاظ زیبایی پوشاک باشد، اما بیش‌تر از همه نشانی از هویت، وابستگی ملی، و اعتراضی سیاسی و ملی است.

#### ۴. روش پژوهش

این پژوهش را به‌روش نظریه داده‌بنیاد (grounded theory) اجرا کردیم که یکی از راه‌بردهای پژوهش کیفی است. روشی که می‌خواهد از طریق تحلیل نظام‌مند داده‌ها به نظریه‌ای استقرایی در قلمرویی واقعی برسد (فراستخواه ۱۳۹۵: ۱۹). در این روش گردآوری داده‌ها و تحلیل با یک‌دیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در این روش پژوهش‌گر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد پدیدار شود (استراوس و کرین ۱۳۹۵: ۳۴).

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه را زنان بین ۱۹ تا ۳۶ سال شهر یزد تشکیل دادند که حداقل در یک بخش از بدن خود نقوشی را خال کوبی کرده بودند. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به روش دردست‌رس سی نفر را که در بخش‌هایی از بدن خود خال کوبی داشتند شناسایی کردیم. از این عده ده نفر حاضر به همکاری نشدند و مجبور شدیم از این نمونه‌ها چشم‌پوشی کنیم. داده‌ها با دوازده نفر به اشباع رسید. یعنی تا زمانی که دیگر افراد نمونه چیزی به داده‌ها اضافه نکردند یا آنچه مطرح می‌کردند در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده بود. پژوهش‌گر خانم (شریعتی‌نسب) نمونه‌ها را در سالن‌های آرایش، مراکز تخصصی لیزر مو، باشگاه‌ها، و فروشگاه‌های لوازم آرایشی یافت و هم‌چنین در خلال پژوهش در فرصت‌های پیش‌آمده با نمونه‌های درگیر در موضوع نیز مصاحبه کرد. در آغاز با گفت‌وگوهای غیررسمی درباره خال کوبی که از علاقه‌مندی‌های اکثریت افراد جامعه است خطوط راهنما برای طرح پرسش‌های مصاحبه نمودار شد و سپس پرسش‌های اصلی را طراحی کردیم. از جمله پرسش‌هایی که از مشارکت‌کنندگان این پژوهش پرسیدیم:

۱. دیدگاه شما درباره خال کوبی چیست؟
۲. تعریف زیبایی بدن از دید شما چیست؟
۳. آشنایی شما با خال کوبی به چه نحوی بوده است؟
۴. در کدام بخش از بدنتان خال کوبی دارید؟
۵. این خال کوبی برای شما حامل چه معنایی است؟
۶. واکنش اعضای خانواده و اطرافیان به خال کوبی شما چگونه است؟

داده‌های این مطالعه با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختمند گردآوری شده است. مصاحبه‌ها به صورت فردی با میانگین ۴۱ دقیقه صورت گرفته است. متن مصاحبه در حین گفت‌وگو یادداشت‌برداری شد که بلافاصله بعد از مصاحبه تکمیل می‌شد. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری نظری، که مبتنی بر سه نوع کدگذاری باز، محوری، و انتخابی است، استفاده کردیم. برای کدگذاری باز راه‌های مختلفی وجود دارد. یکی روش تحلیل سطر به سطر است. این روش با واکاوی دقیق و از نزدیک داده‌ها، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه انجام می‌شود (استراوس و کرین ۱۳۹۵: ۱۴۱). در این پژوهش نیز ما با تحلیل سطر به سطر متن مصاحبه‌ها واحدهای معنایی را تفسیر کردیم و مفاهیم و مقوله‌های متناسب را ساختیم. در مرحله کدگذاری محوری، هدف از نو کنارهم گذاشتن داده‌های خرد شده برای ایجاد ارتباط بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌هاست (همان: ۱۴۶). در این مرحله هفت مقوله به دست آمد. کدگذاری گزینشی یک پارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها اولین گام تعیین مقوله نهایی (هسته) است. مقوله مرکزی حاصل همه تحلیل ما را در قالب چند کلمه می‌ریزد؛ از این رو، به

اصطلاح یا عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی‌تر نیاز است که بتواند همه مقوله‌ها را در بر بگیرد (همان: ۶۵-۶۸).

برای تعیین اعتبار طرح نظری چندین راه وجود دارد. یک راه مقایسه آن با داده‌های خام و راه دیگر عرضه کردن آن به پاسخ‌گویان و دریافت نظر آن‌هاست. نظریه‌ای که پایه در داده‌ها دارد باید قابل تأیید توسط مشارکت‌کنندگان باشد حتی اگر با همه وجوه وضع آن‌ها جور در نیاید، اما مفاهیم اساسی‌اش باید درباره‌شان مصداق داشته باشد (همان: ۱۸۲). برای اعتبارسنجی طرح نظری خود پس از نوشتن خط سیر داستان باتوجه به متن مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها و یادداشت‌های پژوهش‌گر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد که آن را ارزیابی کرده و درباره صحت و درستی آن نظر دهند که مفاهیم اساسی داستان به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید.

**ملاحظات اخلاقی:** باتوجه به این‌که اطلاعات موجود در مصاحبه‌ها به زندگی خصوصی زنان مربوط می‌شد، تلاش کردیم رازداری و محرمانه بودن رعایت شود. به همین علت از ذکر نام واقعی مصاحبه‌شوندگان خودداری شده و اطلاعات به دست آمده با استفاده از اسامی مستعار ذخیره شد. قبل از هر مصاحبه‌ای نیز رضایت مشارکت‌کننده به صورت شفاهی اخذ شد. در فرایند گردآوری داده‌ها نیز به منظور فراهم کردن اوضاع مطلوب، مصاحبه‌ها توسط نویسنده خانم (شریعتی‌نسب) انجام شد.

## ۵. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد خال‌کوبی دیگر هم‌چون گذشته صرفاً مبتنی بر مد و تقلید نیست، بلکه به‌مثابه ابزاری برای بیان آنچه در درون انباشته و امکان ابراز آشکار آن وجود ندارد، یا نمایش فردیت‌های متفاوت، معتبر، و خودراه‌بر است. گاهی خال‌کوبی برای زنان نوعی زبان اعتراض به کنترل و ساختار انقیادکننده «من مطلوب» است. در این پژوهش با بررسی نقوش حک شده بر بدن افراد مورد مطالعه، از آن‌ها دلایل و انگیزه‌های خال‌کوبی و این‌که به دنبال انتقال چه پیام‌هایی هستند پرسیده شد. باتوجه به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در طول کدگذاری باز ۹۳ مفهوم ابتدایی مشخص شد و در مرحله کدگذاری محوری با ربط دادن ۳۰ مقوله فرعی به یک‌دیگر در نهایت هفت مقوله اصلی ساختیم: استمرار خاطره، بیان خویشتن، بدن هنجارمند، تأثیر هم‌جواران، بخش‌های رؤیت‌پذیر، معنابخشی، و منع عرف و سنت. با یک‌پارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در کدگذاری گزینشی مقوله نهایی تحت عنوان «خودتعیین‌گری هنجارشکنانه» پدیدار شد.

جدول ۲. مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

مفاهیم	مقوله
هم‌راه بودن، همیشگی بودن، خاطره‌انگیزی، یادآوری، خاص بودگی، بامعنا بودن، کلمه‌ی خاطره‌انگیز، کلمه‌ی عاشقانه، نت موسیقی، نماد ماه تولد، فرشته، قلب، نت سیاه موسیقی، ماندالای نیمه، ماه، ستاره، گل رز	معنابخشی
لذت از بدن، لذت جنسی، لذت از زیبایی، تغییر با هدف لذت، توجه به خود، حس زندگی با خود	لذت‌جویی
دوست داشتن خود، کسب اعتماد به نفس، بیان خویشتن، حس رهایی، حس قدرت، بیان جسارت، رسیدن به اوج، انرژی زابودن، امیددهنده، آرامش دهنده	بیان خویشتن
خوش فرم و ظریف بودن، اندام متعادل، جلب محبت همسر و معشوقه، دیده شدن، کسب محبت، تلاش برای زیباتر شدن	بدن هنجارمند
مشاهده‌ی دایی، رفتار برادر، خال کوبی پدر، تنوی زن دایی، مشاهده در تلگرام و اینستاگرام، جست‌وجو در اینترنت، تنوی دوستان، کار در آرایشگاه	تأثیر هم‌جواری
ساعد، کنار دست، مچ دست، کنار انگشتان، بازو، روی سینه، پشت شانه، مچ پا، بالای قوزک پا، ساق پا، باسن	بخش‌های رویت‌پذیر
مخالفت پدر مذهبی، مخالفت همسر مذهبی، عرف منع‌کننده، ممانعت سنت‌ها، منع هنجاری، منع اخلاقی و ارزشی	منع عرف و سنت

## ۱.۵ معنابخشی

انسان در پس هر کنش و واکنش خود در پی معنایی است. یکی از ابزارهای معنابخشی به وقایع و احساس‌ها و علایق انسان خال کوبی است و در عین حال افراد نیز به طرح‌های اجرا شده روی بدنشان معانی خاص و نمادین می‌دهند. انسان برای استمرار خاطره، آنچه درون را آزرده یا آکنده از سرمستی کرده چون آزرده‌گی اندوهی دیرسال و سرمستی یک دیدار را ثبت می‌کند. همان‌طور که فوکو بیان کرده: «بدن سطح ثبت روی داده‌است» (لش ۱۳۸۳: ۱۰۴). بدن می‌تواند منبع جسمانی مناسبی باشد برای ثبت و یادآوری آنچه انسان می‌خواهد برای همیشه در هر زمان به‌همراه داشته باشد. داستان‌ها و خاطراتی که با استفاده از نقوشی بر سطح بدن حک می‌شوند منشأ بسیاری از خال کوبی‌هاست؛ در واقع خال کوبی روایتی است از حضور خاطرات تجسم‌یافته در گذشته و حال و آینده فرد.

ستاره ۲۴ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد، درباره‌ی تنوی خود روی مچ دست راستش این‌طور توضیح می‌دهد:

تتو برای من یعنی یادآوری، چیزی که می‌خواهی دائم یادت بمونه و هم‌راحت باشه. تتوی من نت سیاه تو موسیقی است؛ اولین نتی که یاد گرفتم، چهارضرب. یعنی زندگی جریان داره. برام یادآور لحظه‌های سخت زندگی‌مه که ازش موفق شدم بگذرم.

علاوه بر کارکرد خال‌کوبی در استمرار خاطره، آن‌ها هم‌اره بیان‌کننده معنایی بوده‌اند یا بر آن دلالت داشته‌اند. یک جمله یا تصویر می‌تواند تداعی خاطره‌ی یک عشق، درد، و رنج نهفته درونی باشد. مینا ۱۹ساله دانشجوی کارشناسی که روی ساعد دست چپ خود کلمه Belive را تتو کرده که با خطی ممتد در انتها به پرنده‌ای در حال اوج می‌رسد، درباره‌ی همیشگی و هم‌راه‌بودن تتوی خود می‌گوید:

خال‌کوبی من به معنی کم‌کم و به تدریج. معنی اون برای من به تدریج و کم‌کم رسیدن به اوج و پیشرفت در مراحل زندگیه. یه حس رهایی از قیدوبند درونی و بیرونی. بهم تو رسیدن به آنچه می‌خوام انرژی می‌ده. خب این چیزیه که می‌خوام برا همیشه و هر زمان اون رو هم‌راه خودم داشته باشم، می‌خوام با مرور زمان جزئی از من بشه. هرروز که بهش نگاه می‌کنم به یاد بیارم که هدفم تو زندگی چیه.

بنابراین زنان با حک این نقوش و علایم انتزاعی بر بدن خود، تن خود را به کتابی مصور بدل می‌کنند که می‌توانند تاریخ حضور و تعلقات این جهانی‌شان را ورق زنند. برای نشان‌دادن حزن و اندوه از دست‌دادن یا پرکردن خالاً شخصیتی یا ترغیب خود به قوی و طوفنده‌بودن در پیچیدگی‌های زندگی و خلق یک خود تجسم‌یافته در دنیای رنجور متضاد امروز، خال‌کوبی هم‌چنان کارکرد خود را حفظ می‌کند.

## ۲.۵ لذت‌جویی

تجربه خال‌کوبی ممکن است حاد و زیبا باشد. لذت از بدنی که زنان از خال‌کوبی خود عنوان می‌کنند لذت از عمل انتخابی آزادانه دگرگونی است، آن‌گونه که حس مالکیت بدن و تغییر شکل معمولاً ماندگار آن متتهای عصیان علیه جبر زیست‌شناختی و بیان واضح آزادی غایی برای آنان است.

الناز دانشجوی ۲۰ساله‌ای که تصویر گل رز مشکی بر انگشت اشاره خود دارد از لذت‌های تتو این‌گونه می‌گوید:

یه گل رز مشککی کناره انگشت اشاره دست چپم تتو کردم به معنی عشق عمیق به من. معشوقه یکی باشی خیلی لذت بخشه ... خانواده ام موافق نبودند، اما بعد راضی شدند. این بدن منه و حق دارم هرطور که می خوام ازش لذت ببرم. تغییر کردن لذت بخشه، بدنت رو زیباتر کنی، اون طور که می خوای. ساده بودن بدن خوب نیست. درسته درد داره، اما عوضش وقتی خودم رو تو آینه می بینم لذت می برم از تنوع و تغییری که تو بدنم به وجود اومده.

اما از کارکرد جنسی خال کوبی نباید غافل شد که از گذشته تا بدین روز کماکان با همان کارکرد و معنا تداوم داشته، فقط با این تفاوت که دیگر نمادهایی که مختص و نشان دهنده خدمات دهندگان جنسی بود امروزه معنای خود را از دست داده اند.

سپیده، که ۳۳ سال دارد و مادر دو فرزند است، درباره تتویی که بر قسمت پایین تنه بدن خود حک کرده می گوید:

تتو برای من یعنی خودم تعیین کننده هستم که چه طور از بدنم لذت ببرم. خواستم به خاطر همسر و خوشی ایشون تنوعی ایجاد کنم. به نظر من تو مسائل جنسی باید خلاقیت داشت و تنوع ایجاد کرد. لذت بردن و رضایت باید دوطرفه باشه ... من طرحای خشن رو دوست ندارم. به همین خاطر یه فیل کوچولوی بانمک رنگی تتو کردم.

### ۳.۵ بیان خویشتن

بیان خویشتن نمادی از تمنای درون است برای خودتعیین گری و بازسازی هویت ابراز نشده. بیان حس رهایی، قدرت، جسارت، امید، و دوست داشتن. خال کوبی وسیله ای برای ابراز حالتی از خویش، اشتیاق و میلی از خویش، و تمنایی از خویش است. برای انسان امروز، که کثرتی در وحدت و هم وحدتی در کثرت است، خال کوبی تصویری دیگر از «او» است. «او»یی که می خواهد کمال مطلوب «من» را به نمایش گذارد، اما در هر حال تمایز خود را نیز حفظ کند.

ساناز ۲۲ ساله، که دانشجوی کارشناسی است، درباره تتوی خود می گوید:

روی مچ پای راستم نماد ماه تولدم رو، نماد آذرماه رو، تتو کردم. یعنی من یه آذرماهی جسورم. جسورم چون قسمت مچ پا خیلی حساسه و هرکی نمی تونه دردش رو تحمل کنه. با این تتو خواستم آنچه رو هستم نشون بدم. شخصیت یه آذرماهی تو این نماد مشخصه.

اعظم بانوی ۳۲ساله متأهلی که دغدغه استقلال و خودبودن را دارد چندین تتوی خاص بر بدن خود حک کرده؛ یکی از این تتوها جمله «Stay Storm» روی مچ پای راستش است. او در این باره می‌گوید:

تتو یعنی نماد، نمادی از چیزی که هرکس می‌خواد تثبیت کنه، چیزی را که نمی‌توننی بگی و به دیگری ثابت کنی. تتوهایی که دارم بهم حس قدرت می‌ده. من خاصم، جسورم، قدرت و توانایی دارم. چرا نداشته باشم چون یه زنم؟ باید من رو همون‌طورکه هستم بپذیرند. قوی هستم مثل طوفان. تتوی من یه نوع زبانه، زبان اعتراض.

بنابراین بیان خویشتن، آن‌گونه که خود می‌خواهد، انگیزه مهمی برای دست‌کاری‌های خال‌کوبی در بدن است.

#### ۴.۵ بدن هنجارمند

یکی از حوزه‌های موردبررسی جامعه‌شناسی بدن رابطه دیالکتیکی میان بدن فیزیکی و ذهنیت انسانی یا همان تجربه پدیدارشناختی یا زیست‌شده دارابودن بدن یا بودن در بدن است (Cockerham 2001: 14). تلاش برای جلب توجهات غیرمنتظره، زیاترشدن، و دیده‌شدن از طریق تغییر شکل بدن به دلایل چندی صورت می‌گیرد از جمله: دستیابی به منزلت اجتماعی، کسب محبت معشوق یا همسر، داشتن جذابیت، تأیید دیگران و ... بدن رابطی بین «من» درونی و بیرونی انسان و نمودی از موجودیتی پیچیده در فرهنگ است و از آن‌جاکه جهان اجتماعی پدیده‌ای جنسیتی است، نقش بدن در این گفتمان بازنمود هویت جنسیتی در قالب فرهنگی و اجتماعی است. درباره زنان به‌دلیل قضاوت‌های اجتماعی، ویژگی‌های جسمانی آنان رابطه مستقیمی با برساخت بدنی هنجارمند دارد که بر جذابیت‌های جسمانی زنان تأکید دارد. زنان برای دستیابی به این امر شیوه‌های مختلفی را برای عرضه و مدیریت بدن به‌کار می‌برند؛ از جمله خال‌کوبی، فعالیت‌های دشوار برای داشتن اندامی ظریف و زنانه نه برای احساس ارزشمندی، بلکه از جهت خوش‌آیند دیگری؛ دیگری‌ای که گفتمان مسلط جامعه را تحمیل کرده است.

اشرف ۳۶ساله درباره علت تتوی خود و اهمیت نظر دیگران درباره بدنش می‌گوید:

یه گریه سیاه روی ساق پای چپم و یه قلب هم پشت شونه‌م چپ تتو کردم. گریه نماد نازپروردگیه، قلب هم محبت. راستش بدون اجازه همسر این کار رو کردم. مقابل



عمل انجام شده قرارش دادم. واکنش خشتی بود. اما بعد خیلی خوشش اومد. به نظرم تتو یا پیرسینگ یا حتی زیبایی‌های ظاهری مثل کاشت ناخن خیلی تو جلب توجه طرف مقابلت تأثیر داره. تنوع تو ظاهر خیلی خوبه. من خودم به پوست و مو، اضافه وزن نداشتن خیلی حساسم. به نظرم زیبایی بدن یعنی داشتن اندام متعادل، خوش فرم بودن. منظورم یه جور اندام زنونه داشته؛ نه این که یه کیسه استخون باشی. من سعی می‌کنم با ورزش و باشگاه رفتن این کار رو کنم. نظر دیگران نمی‌گم مهم نیست، اما نظر همسرم برام خیلی مهمه.

پریوش ۲۴ ساله دانشجوی کارشناسی ارشد، که پشت شانه سمت چپ خود تصویر یک پری دریایی با جمله Be happy تتو کرده است، می‌گوید:

برای جلب محبت کسی که دوشش داری بدن خیلی مهمه. این که اضافه وزن نداشته باشی الآن دیگه ویژگی لازمی برای ظاهر جذابه. باید اندام متعادل و زنونه داشته باشی؛ باید به ظاهر ت برسی؛ مثلاً جواهرات ساده و خاص. تتو هم می‌تونه زیبایی باشه هم این که تو رو خاص کنه. تتو یعنی طرح خاص که متعلق به منه. این می‌تونه من رو خاص و منحصر به فرد کنه.

البته نکته جالب این است که بیش تر مشارکت کنندگان در این پژوهش بر سپری کردن زمان زیاد در سالن‌های آرایش تأکید داشتند. این کنش تاحدودی تحت تأثیر آن چیزی اهمیت یافته که در شبکه‌های مجازی و تبلیغات صنعت آرایشی و صنعت سینما صورت می‌گیرد، به گونه‌ای که زنان آن را جزء ضروری زندگی شخصی و عاطفی روزمره خود می‌پندارند، نه امری مربوط به بهداشت بدن. این کار هم چنین تأثیر چشم‌گیری بر اعتماد به نفس آنان دارد.

## ۵.۵ تأثیر هم‌جواران

در گذشته خال کوبی بیش تر برای زنان کارکردهای زیبایی‌شناختی، درمانی، و نظایر آن داشته و در برخی گروه‌های خاص مردان (پهلوانان، اوباش) نیز دیده شده است. بنابراین، با توجه به قدمت خال کوبی در ایران طبیعی است که در میان اعضای بیش تر خانواده‌های ایرانی فردی با خال کوبی مختص به خود وجود داشته باشد و می‌توان خال کوبی‌های مذهبی یا عاشقانه‌ای را بر دست و صورت پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها مشاهده کرد. هر چند این افراد اعضای جامعه سنتی هستند، اما در آشنایی اعضای جوان تر و مدرن جامعه معاصر با

خال‌کوبی تأثیرگذار است. البته وجود فضای مجازی را نیز در تسهیل پذیرش این مسئله و اشاعه آن نباید نادیده انگاشت. امروزه تلگرام و اینستاگرام در ایران جزء جدایی‌ناپذیر روزمرگی و اندیشه افراد است. بنابراین تأثیر اعضای خانواده و نزدیکان و فضای مجازی از روش‌های در دسترس و سهل برای آشنایی افراد با خال‌کوبی است.

اعظم ۳۲ ساله نحوه آشنایی خود با تتو را این‌گونه بیان می‌کند: «بچه که بودم رو دست آقا جونم خال‌کوبی کبودرنگی رو دیده بودم. یه روز از مادرم درموردش پرسیدم. آقا جونم خدا پیامرز به یاد یه پسرش که نوزاد بوده مرده یادگاری رو دستشون نوشته بودن». ساناز ۲۲ ساله، دانشجوی کارشناسی، طریقه آشنایی و علاقه‌مندی به تتو را این‌گونه برای ما توضیح می‌داد: «پنج سال پیش زن‌دایی‌م روی پاش تتو کرده بود. یه پروانه خیلی خاص. وقتی دیدم عاشقش شدم. با خودم گفتم حتماً باید تتو کنم. البته یه تتوی خاص». مبینا ۱۹ ساله دانشجوی کارشناسی از موارد تأثیرگذار در آشنایی و علاقه‌مندی به تتو را این‌طور ذکر می‌کند:

از طریق دایی‌م که یه خال‌کوبی بزرگ روی بازو داشتن با تتو آشنا شدم. یعنی از بچگی می‌دونستم تتو چیه. ولی از طرحای خیلی بزرگ خوشم نمی‌اومد. سال‌ها بعد از طریق تلگرام و اینستا بیش‌تر با تتو آشنا شدم. طرح‌های فانتزی و ریزی رو دیدم که علاقه‌مندتر شدم. با دیدن این طرحا تصمیمم قطعی شد که یه تتوی خاص خودم که بامعنی باشه داشته باشم.

## ۶.۵ بخش‌های رؤیت‌پذیر

اکثر خال‌کوبی‌ها بر بخش‌هایی از بدن حک می‌شوند که رؤیت‌پذیرند. این نوع از خال‌کوبی‌ها نشان‌دهنده بیان فردیت یا نمودی از «من» مطلوب و این‌که «این من هستم» است. فرد از این طریق به آنچه می‌خواهد باشد، اما هنجارهای اجتماعی و فرهنگی او را از این امر بازداشته، معترض است. نوع دیگری از خال‌کوبی‌ها که در بخش‌های پوشیده بدن حک می‌شوند مبین عواطف عمیق و نهانی شخصی است، چیزی که نمی‌خواهد با دیگری به اشتراک گذارد اما خواهان یادآوری و همراهی همیشگی آن است که بازتابی از امیال، هراس‌ها و رنج‌ها و سرخوشی‌های تجربه‌شده است.

اعظم ۳۲ ساله در پاسخ به این سؤال که در کدام بخش بدنش تتو دارد و دلیل انتخابش این چنین می‌گوید:

تتوی من به نوع زبان؛ زبان اعتراض به جایگاهم. چون به زنم همیشه کم‌تر دیده شدم، این‌طور دیده می‌شم. کنار انگشت شست چپم طرح ماندالای نیمه تتو کردم. روی میچ پای راستم جمله Stay Storm و کنار انگشت دوم دست راستم کلمه Queen. تتو یعنی نماد، نمادی از چیزی که هرکس می‌خواهد تثبیت کنه، چیزی را که نمی‌توننی بگی و به دیگری ثابت کنی.

زهره ۲۹ ساله، که سه فرزند دارد، درباره‌ی تتوی خود این چنین می‌گوید:

از زمانی که شروع به آرایش‌گری کردم، یعنی از وقتی که کلاسای آرایش‌گری می‌رفتم، با تتو آشنا شدم. دلم می‌خواست من هم یکی داشته باشم. وقتی با همسرم درمیون گذاشتم خیلی استقبال کرد. طرحش رو هم خودش انتخاب کرد. روی بازوم به دسته ستاره تتو کردم؛ هر وقت دلتنگ باشم نگاهش که می‌کنم. آرامش‌دهنده‌ست برام. بهم اعتماد به نفس می‌ده. چون خودم رو دوست دارم تتو کردم. منظورم اینه که بدنم برام مهمه که خواستم زیباترش کنم و هم این‌که همسرم از دیدن تتوم خوشحال می‌شن. حتی ازم خواستن که خودم برایش تتو کنم. اون هم تتو داره.

## ۷.۵ منع عرف و سنت

اگرچه خال‌کوبی ریشه در سنن و عرف اجتماعی و فرهنگ دارد، اما با گذر زمان و تمایزبایی‌هایی که در معانی اعمال به وجود می‌آید ممکن است به‌مثابه‌ی طغیان و سرکشی مبتنی بر خودشناسی و هنجارشکنی محسوب شود. در دنیای امروز، که فردیت امری حیاتی برای هر شخص است، خال‌کوبی بیش‌تر از گذشته بار معنایی ساختارشکنانه و کارکردی مقاومت‌گرایانه به‌قدر وسع هر فرد پیدا کرده است که با منع عرف و سنت، فرد برای اجرای آن بر بدن مجتهدتر می‌شود. انسان امروزی در برابر هر نوع کنترل آشکار (هرچند خود خال‌کوبی نیز نوعی ساختار کنترل‌کنندگی دارد) معترض است و مقاومت نشان می‌دهد. ممانعت به‌عمل آمده ممکن است به دلایل مذهبی، اجتماعی، هنجاری، و ارزشی صورت گیرد. البته رویکرد جنسیتی نیز در ایجاد و ادراک منع‌ها بسی مؤثر است، چون برای مدت‌های مدیدی خال‌کوبی نشان بزه‌کاری به‌شمار می‌آمده است. از این‌رو، در زنان و به‌خصوص دختران داشتن آن از منظر اجتماع پسندیده نیست.

راحله بانوی ۲۸ساله می‌گوید:

همسر من به شدت با من مخالف هستن. بدون اجازه ایشون تنو کردم. اولاش خیلی ناراحت بود، چند روزی هم بچمون شد؛ اما بعد دید دیگه کاریه که شده و نمی‌تونه کاری کنه آرام‌تر شد. من هم همیشه مراقب بودم که کسی تنوم رو نبینه.

ساناز دانشجوی ۲۲ساله می‌گوید:

پدرم خیلی مخالف بود، اما از طریق مادرم تونستم موافقتش رو بگیرم. پدرم معتقد بود که عرف اجتماعی تنو رو نه برا دختر و نه برا پسر نمی‌پسنده. می‌گفت اگه هم دوست داری تنو کنی، هروقت ازدواج کردی این کار رو کن. اگه الان تنو داشته باشی، شاید طرف مقابل دوست نداشته باشه که همسرش تنو داشته باشه.

بنابراین مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که خال‌کوبی و تنو هنوز در جامعه امری عادی تلقی نمی‌شود و به‌ویژه خانواده‌ها مخالفت خود را با این کنش فرزندان یا همسر خود ابراز می‌کنند. این مخالفت و منع برای دختران دوچندان است.

## ۸.۵ خودتعیین‌گری هنجارشکنانه

جامعه و خود فرایندهایی دیالکتیکی‌اند. خود در کنش متقابل با دیگران شکل می‌گیرد، اما در عین حال جامعه مرکب است از افراد گوناگون با خودهای متمایز (دیلینی ۱۳۹۴: ۲۳۹). خودهای متمایز در پی بازتولید و معناسازی روایت‌های خاص از فردیت‌هایشان نیاز واقعی به آزادی انتخاب را حس می‌کنند. در جامعه امروزی که انسان نه تنها توسط نهادها و گفتمان‌های خاص، بلکه توسط خود نیز کنترل می‌شود و در تقابل با ممانعت هنجارهای اجتماعی و سیاسی به سر می‌برد، پس می‌تواند گرایش وافر به بدن و اعمال مدیریت بر آن نشان دهد. در جامعه ایران این قیدوبندهای ساختاری ریشه‌دار درباره زنان از سبقت تاریخی برخوردار است که سبب شده زنان گاهی در صدد فرارفتن از مرز تابوها و هنجارها باشند، حتی اگر نیاز به مقاومت در برابر ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر جامعه باشد. زنان مورد مطالعه در این پژوهش خواهان این بودند که از طریق دخل و تصرف در دارایی ارزشمند خود یعنی بدنشان، توانمندی‌ها، و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بدن خود را بیان کنند. بنابراین، از طریق خال‌کوبی در جهت برساخت «من مطلوب» به تغییرات بدنی در این فرایند مصورسازی تن می‌دهند. خال‌کوبی برای زنان نوعی زبان است؛ زبان اعتراض به

دیده‌نشدنشان و درعین حال بیان خودشان. درواقع، این «من» هنجارشکن است که چگونگی لذت‌بردن از بدن را تعیین می‌کند؛ لذتی که در اثبات «آن‌چه هستی» زن را به‌مثابه‌ی زن لبریز از شور هستی می‌کند.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

بدن امری رازواره است. همان‌طور که برتون (۱۳۹۲) می‌گوید، بدن رابطه‌ی انسان با جهان بیرون را به واقعیت بدل می‌کند. هنگامی که در جهان بیرون بدن تحت عناوین گوناگون ساخته می‌شود و شکل می‌گیرد و تا حد زیادی از قدرت‌های علی‌ی خود محروم می‌شود (لش ۱۳۸۳: ۹۰)، این بدن به‌عنوان بدنی یاغی و طغیان‌گر ابزاری برای مقاومت و تمرد اجتماعی می‌شود. وقتی بدن قربانی نیروهای واکنشی و به‌هنجارساز می‌شود زبان به اعتراض می‌گشاید. این جاست که کنش پیش از کلام اهمیت می‌یابد. بدن منفعل به کنش‌گری خودتعیین‌گر مبدل می‌شود که علیه هنجارها و مناسبت‌های اجتماعی به‌پا می‌خیزد و خود تجسم‌یافته را بازتولید می‌کند. این نتایج با پژوهش لیدر (۲۰۱۶) و براون‌برگر (۲۰۰۰) هم‌خوانی دارد که نشان دادند که خال‌کوبی برای زنان فراتر از مدی موقتی و انقلاب زیبایی‌شناختی، بیان خلاقانه‌ی خود و اقتدار مسلط بر بدن است. هم‌چنان‌که چاپکیز بیان می‌کند که خال‌کوبی‌ها گزارش‌هایی هستند از جایگاه فرد که مبین هویت جنسی فرد است و این‌که زنان با خال‌کوبی‌های خود به ملاک ارزیابی زیبایی زنانه واکنش نشان می‌دهند.

در بیان اهمیت خود و ابراز هویت می‌توان به یافته‌های پژوهش مان و همکاران (۲۰۱۲)، مهربابی و همکاران (۱۳۹۵)، و قادرزاده (۱۳۹۳) اشاره کرد که مبین این است که خال‌کوبی برای زنان حامل بار معنایی گوناگون است. هم‌چنین درباره‌ی نقوش حک‌شده بر تن این زنان جوان، چون گذشته نمی‌توان با قطعیت از جنسیتی‌بودن این نقوش و محل خال‌کوبی استدلال کرد، لذا تنها بخشی از آن‌چه ساندرز (۱۹۹۱) درباره‌ی نقوش خاص زنانه در کتاب خود بیان کرده، در این پژوهش نیز تأیید می‌شود که اندازه و حجم کوچک نقوش خال‌کوبی است. به‌علت محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه‌ی مردسالار، زنان قدرت اعمال مدیریت اندکی در کنش‌های فردی و اجتماعی خود دارند؛ بنابراین بنابر رویکرد فوکو، بدن به منبع مهمی برای اعمال قدرت تبدیل می‌شود. خال‌کوبی نمونه‌ای از این اقدام است و به‌مثابه‌ی زبان اعتراض علیه گفتمان‌های خاص است.

در این پژوهش ما به مقوله هسته‌ای تحت عنوان «خودتعیین‌گری هنجارشکنانه» دست یافتیم که حاکی از آن است که این «خود» تعیین‌گر می‌خواهد که هویت ضد‌معیارمندی را بنیان نهد و از هنجارها فراتر رود. بنابراین، از بدن خود استفاده می‌کند تا تسلط بر خود و کنترل بدن محقق شود. همان‌گونه که براون‌برگر (۲۰۱۲) به طغیان و عصیان زنان با استفاده از حضور بدن و واکنش‌های فرهنگی منقلب‌کننده آنان ايقان دارد.

بیش‌تر زنان مورد مطالعه در این پژوهش از داشتن خال‌کوبی خود پشیمان نبودند، بلکه اذعان داشتند که خال‌کوبی باید معنادار باشد، یعنی باید معنای خاصی را که بیان‌کننده «من» درون و خاص هر فرد است حمل کند؛ چون با مرور زمان جزئی از فرد می‌شود، یعنی چیزی که برای همیشه متعلق به فرد است. آنچه این «من» می‌خواهد ثبت شود از چنان اهمیتی برخوردار است که فرد برای عمل به آن در برابر مخالفت والدین و همسر می‌ایستد. دختران در برابر مخالفت والدین موفق شده‌اند رضایت آن‌ها را کسب کنند؛ اما بیش‌تر زنان متأهل بدون کسب رضایت همسر خود این کار را انجام داده و او را در مقابل عمل انجام‌شده قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد اقتدار پدر و مادر و شاید وجود پیوند عاطفی آن‌ها قوی‌تر و بیش‌تر از وجود آن بین همسران است.

زنان مشارکت‌کننده بیش‌تر تمایل داشتند که خال‌کوبی‌هایشان نمایان باشد. بار معنایی تتوها بیش‌تر حس‌رهایی و آزادی و لذت‌جویی دارد و حاکی از جسارت و قدرتی است که زن می‌تواند داشته باشد. زنان متأهل بیان کردند که چه در زمان مجرد و چه بعد از آن رها نبوده‌اند، یعنی همیشه شخصی بر آن‌ها حق مالکیت داشته که به آنان هنجارهای مناسب جنسیتی را گوش‌زد کرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد که تتوها نوعی زبان اعتراض به هر نوع کنترل یا ساختارهای انقیادکننده است. حتی آن‌جا هم که برای جلب توجه و محبت همسر یا معشوق خود خال‌کوبی می‌کنند باز هم بحث توان‌مندی «من» است که می‌تواند با جسارت و خلاف عرف حرکت کردن، دیگری را با طرحی کوچک جذب خود کند. بنابراین، برای ابراز توانمندی، متوسل به تنها دارایی خود یعنی بدن می‌شوند.

زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، دغدغه استقلال‌هویی و جنسیتی داشتند؛ به طوری که حتی در انتخاب نقوش حک‌شده به تعاریف و معانی خاص خود توجه می‌کنند. تأثیر افراد دارای خال‌کوبی و رسانه‌های مختلف در حد آشنایی آن‌ها و عادی‌سازی تتو باقی می‌ماند. آنان با تغییر هدفمند بدن در سطح آن، به‌ویژه در جهت مخالف هنجارهای غالب،

بازنمایی معنا و تجربه خال کوبی در میان زنان جوان ۴۷

درصدد بیش تر خودبودن هستند؛ چون جلوه بیرونی آنان به واقعیت درونی شان یا آنچه می خواهند باشند نزدیک تر می شود. در نهایت این که زنان با منقش کردن بدنشان تلاش می کنند تا روایت مصوری از هویت جنسیتی نوین خود بازنمایی کنند.

## کتابنامه

- استراوس، انسلم و جولیت کریبن (۱۳۹۵)، *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- برتون، دیوید (۱۳۹۲)، *جامعه‌شناسی بدن*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: ثالث.
- بهبزادی، رقیه (۱۳۶۸)، «خال کوبی از دیرباز تا کنون»، *چیستا*، ش ۶۲.
- خاتون، یکتا (۱۳۸۷)، «و تنم دفتر نقاشی است»، *گزارش*، ش ۲۰۴.
- دیلینی، تیم (۱۳۹۴)، *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*، ترجمه بهرننگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.
- صرامی، عارفه (۱۳۹۵)، «بررسی تاتو به عنوان هنر در ساختار فرهنگی و اجتماعی معاصر»، *پژوهش هنر*، دانشگاه هنر اصفهان، ش ۱۱.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵)، *روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه (گراند تئوری)*، تهران: آگاه.
- فکری بارکو سرائی، رضا (۱۳۹۳)، «تأثیر سبک زندگی زندانیان بر خال کوبی آن‌ها از منظر مردم‌شناختی»، *اصلاح و تربیت*، ش ۱۴۷.
- قادرزاده، امید، احمد محمدپور، و احمد غلامی (۱۳۹۳)، «خال کوبی و برساخت هویت فردی بازتابنده»، *مسائل اجتماعی ایران*، ش ۱.
- کتیرایی، محمود (۱۳۴۵)، *از خشت تا خشت*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- لش، اسکات (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: مرکز.
- مرادی، علی (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر خال کوبی؛ مورد مطالعه شهر کرمانشاه»، *پژوهش‌های راه‌بردی امنیت و نظم اجتماعی*، ش ۱۶.
- مهرابی، قاسم، محمدابراهیم رزاقی، و فائزه یزدانی (۱۳۹۵)، «شناسایی انگیزه و دلایل خال کوبی ورزش کاران»، *مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی*، ش ۱۲.
- یزدخواستی، بهجت، علی ربانی، و ابراهیم اخلاصی (۱۳۸۷)، «مفهوم بدن در اندیشه فلسفی مرلوپونتی و چالش‌های نظری در قرائت جامعه‌شناختی آن»، *معرفت*، ش ۱۲۶.

Braunberger, C. (2000), "Revolt Bodies: The Monster Beauty of Tattooed Women", *NWSA Journal*, vol. 12, no. 2.

- Chapkis, W. (1986), *Beauty Secrets*, Boston: South end Press.
- Cockerham, W. C. (2001), *The Blackwell Companion to Medical Sociology*, Oxford: Blackwell Publishers.
- Firmin, M. et al. (2012), "External Dynamics Influencing Tattooing among College Students: A Qualitative Analysis", *Journal of College Student Development*, vol. 53, no. 1.
- Leader, K. (2016), "On the Book of My Body: Women, Power, and Tattoo Culture", *Feminist Formation*, vol. 28, no. 3.
- Mun M. J., A. K. Janigo, and P. K. K. Johnson (2012), "Tattoo and the Self, Clothing and Textiles", *Research Journal*, vol. 30, no. 2.
- Parry, A. (2006), *Tattoo: Secrets of a Strange Art*, New York: Dover Publications.
- Sanders C. R. (1991), "Memorial Decoration: Women, Tattooing, and the Meaning of Body Alteration", *Michigan Quarterly Review*, vol. 30, no. 1.
- Sanders, C. and D. A. Vail (2008), *Customizing the Body: The Art and Culture of Tattooing*, Temple University Press.
- Santos, X. (2009), "The Chicana Canvas: Doing Class, Gender, Race, and Sexuality through Tattooing in East Los Angeles", *NWSA Journal*, vol. 21, no. 3.
- Taliaferro, Charles and Mark Odden (2012), "Tattoos and the Tattooing Arts in Perspective", *Tattoos: Philosophy for Everyone: I Ink, therefore I Am*, Robert Arp (ed.), MA: Wiley-Blackwell.
- Turner, S. B. (2008), *The Body and Society*, U.S.A: Sage
- Wilson, E. (2003), *Adorned in Dreams: Fashion and Modernity*, London: I. B. Tauris & Co Ltd.